

تقريظ استاد سيد حسين شرف الدين

باسمه تعالى

آل الصدر في التاريخ

ابتداء أشكر الصديق الدكتور محسن كماليان لتكليفى كتابة نبذة عن آل الصدر، وهو الآن يكتب على تدوين مرحلة من تاريخهم؛ وتاريخهم حيي حيث يكونون في ايران أو العراق أو بلاد الشام (سوريا، لبنان، الأردن). وأوابهم مشرعة حيسما ما هم. وتحت أى لقب عرفوا.

صدائقي مع الدكتور كماليان تعود الي أكثر من اربعة عقود؛ وكان يتبدى لي عند كل لقاء عن شخصية ثابتة الرأي، صلبة العزم، لأنه لا يأخذ برأى يتبنى رأياً إلا بعد تحقق من امره وبحث فيه، والأهم هو أن لا يصدر قناعة بشيء إلا عن حب، وليس عن تعصب. ولذلك يذهب بعيداً في متابعة التفاصيل و دقائق الأشياء وهو يبدو من كتابه «صدر دين» و «مشاهير خاندان صدر». وكأنه يذهب في النسب الى أصولها وتركيبها متأثراً بمنهجية دراسته و بحثه في مختبرات الكيمياء. و احتار فيه أن كان عالم كيميا أو أنه عالم أنساب. و لا حيلة لي إلا أن أستجيب للدكتور كماليان محبة و تقديراً.

من أصعب الأمور أن يكتب الإنسان في سلالة يختصر احد علمائها التعريف عنها

باسمه تعالی

خاندان صدر در تاریخ

در آغاز از دوستم دکتر محسن کمالیان تشکر می‌کنم که نگارش چند جمله‌ای را در باره‌ی خاندان صدر از من تقاضا کرده است. او اکنون با تمام وجود مشغول گردآوری و تدوین مرحله‌ای از تاریخ خاندان صدر است. تاریخ این خاندان زنده است؛ در هر کجا که بوده‌اند: ایران، عراق یا سرزمین شام (یعنی سوریه، لبنان و اردن). قلب‌های آنان نیز گشوده است؛ هر کجا که بوده‌اند و با هر عورتانی که شناخته می‌شدند.

دوستی من با دکتر کمالیان از بیشتر از چهار دهه قبل آغاز شده است. در هر دیداری که با او داشته‌ام، شخصیتی با ثبات نظر و عزم استوار دیده‌ام. زیرا او هیچ نظری را نمی‌پذیرد، مگر پس از تحقیق و بحث دربارۀ آن. مهم‌تر آن‌که به چیزی قانع نمی‌شود، مگر از روی محبت؛ و نه از سر تعصب. به همین سبب در پیگیری جزئیات و ظرافت‌های امور تا دوردست‌ها می‌رود. این مسئله از کتاب «صدر دین» و «مشاهیر خاندان صدر» هریداست. گویی وقتی که در انساب و اصول آن و ترکیبات آن‌ها با روش خاص خود پژوهش می‌کنند، در آزمایشگاه‌های شیمی است. انسان متعجب می‌ماند که او دانشمندی شیمی دان است یا متخصص علم انساب. و برای من چاره‌ای جز این نمی‌ماند که از سر محبت و قدردانی درخواست دکتر کمالیان را اجابت کنم.

از دشوارترین کارها نوشتن در باره‌ی خاندانی است که یکی از علمای آن به اختصار آن را چنین تعریف می‌کند: «سیاس خداوندی را که مر فرزندان پدران قرار داد که همگی با عالم بوده‌اند یا مجتهد». و من اضافه می‌کنم: و تصدی امور مردم، همه‌ی مردم را، در مسائل دنیوی و احتیاجاتشان برعهده داشتند، همان‌گونه که تصدی مسائل عبادی آن‌ها و چیزهایی که آن‌ها را به خداوند می‌رسانند، برعهده‌شان بود. و در این راه، بسیاری از پادشاهان، آنان را مجبور به هجرت از مکان زندگی‌شان کردند. آنان نیز تحمل کردند و در راه خدا هجرت کردند. چنان‌که جد اعلی‌شان ابراهیم اصغر المرتضی، فرزند امام موسی کاظم (ع)، در راه ولایت و جهاد در راه خدا چنین کرد. کسی که با تمام نیروهایش به سمت یمن حرکت کرد تا اهالی آنجا را به امامت برادرش، امام رضا (ع) فرا بخواند. از زمانی که امام موسی کاظم (ع) در بغداد و در زندان بود، پیوسته هارون الرشید‌های زمان و السندی بن شاهک‌های زمان فرمانده ارتش او) از راه

بالتقرول: الحمد لله الذي جعلني من آباء ليس فيهم الا عالم أو مجتهد؛ وأضيف: يتشدد لأصور الناس و العامة في قضايهم و حاجاتهم كما يتصدى الى ما يوصل بينهم و بين الله. و تحملوا في هذا الكثير من السلاطين مما اضطرهم تحمل الهجرة من المكان الى الهجرة في الله التزاماً بما رسم جدّهم الأعلى ابراهيم الصغير المرتضی، ابن الامام موسى الكاظم عليه السلام، ولاء و جهاداً، و هو الذي سار تقواته الى اليمن يخضعاً داعياً الى اخيه الامام علي الرضا عليه السلام، و منذ كان استحضار الامام موسى الكاظم عليه السلام الى بغداد و سجنه، فقي كل زمان يأتي (الرشيد) و مدير شرطته (السندي بن شاهك)، و على هذا ما كان يقع على علماء هذه السلسلة في كل زمان و مكان حيثما يكونون، و لذلك تعددت مهاجروه و مواطنها في العالم الاسلامي، و كذلك ألقابها.

من المواطن الرئيسة ابتداء من بغداد و في عهد المسترشد بالله العباسي، انتقل سنة ۱۷۹۰ق، الى الحائر الحسيني أبو محمد عبدالله، بعد عزله من نقابة الطالبيين. و في حالة من أوضاع قاسية اجتماعياً انتقل في بدايات القرن الثامن الهجري جلال الدين عبدالله الى جبل عامل. و في سنة ۱۰۴۰ق هاجر الى مكة السيد نورالدين علي، و هو آخر صاحب المدارك لأبيه، و آخر الشيخ حسن بن الشهيد الثاني صاحب المعالم لأمه و استوطن مكة، فراراً بكرامته من أن يصاهر الأمير فخرالدين الثاني. و قد رافقه ولده السيد حسين الذي عاد و استقر في الشام و منه قسم من آل المرتضی، و زين العابدين الذي عاد الى جبع و منه ابراهيم (شرف‌الدین). و من محمد الأول كان السيد صالح و السيد محمد الثاني، و من محمد الثاني كان آل شرف‌الدین. أما السيد صالح فقد اعتقله الجزار في حملة على قرية الشحور و ذلك سنة ۱۱۹۹ق. حيث اقام أشهراً ثم نسي له الفرار فاتجه الى العراق و اقام في كربلاء، ثم في النجف. و قد ولد له في شحور أبو البركات هبة‌الله الذي قتل أمام أبيه، و السيد محمد (صدر‌الدین) و محمدعلي. و من هذين كان آل الصدر. و قد اختص باللقب من سكن العراق. أما من ولد من السيد محمد (صدر‌الدین) فقد عرفوا بألقاب عدة منها: العالمی، الصدر، صدر‌عاملی، صدرزادة، خادمی، مستجابی و غیرها. و أغلبهم توزعوا في مناطق متعددة من ايران.

شکراً دکتور کمالیان و أخذ الله بيديك، و تقبل صيامك و قيامك و كل عام و أنتم بخير.

حسين شرف‌الدین

صوهر، جبل‌عامل، ۲۰۱۷/۶/۲۰

می‌رسیدند. این آن چیزی بود که بر علمای این خاندان رفت؛ در هر زمان و هر مکانی که بودند. به همین سبب است که دفعات مهاجرت آنها، محل زندگی آنها در گستره جهان اسلام و نیز القاب آنها، متعدد بود.

در سال ۵۱۷ هجری قمری و در زمان المسترشد بالله خلیفه‌ی عباسی، ابومحمد عبدالله پس از آن‌که از تولی امور طلاب عزل شد، از موطن خود بغداد به کربلا انتقال یافت. در اوایل قرن هشتم هجری نیز در اوضاع اجتماعی بسی دشوار، جلال‌الدین عبدالله به جبل‌عامل منتقل شد. در سال ۱۰۴۰ نورالدین علی که برادر ناتنی (از طرف پدر) سید محمد صاحب مدارک و برادر ناتنی (از طرف مادر) شیخ حسن صاحب معالم (فرزند شهید ثانی) بود، به مکه هجرت کرد و در این شهر سکنا گزید؛ تنها به این سبب که نمی‌خواست کرامتش با وصلت با خانواده‌ی امیر فخرالدین ثانی خدشه‌دار شود. دو فرزندش نیز با او همراهی کردند: سید حسین؛ که پس از مدتی بارگشت و در شام سکنا گزید و بخشی از آل مرتضی از سلاله‌ی اویند و دیگری، زین‌العابدین که به جُجُع بارگشت و ابراهیم (شرف‌الدین) از صلب اوست. از فرزند او محمد اول، سید صالح و سید محمد ثانی به دنیا آمدند و از محمد ثانی خاندان شرف‌الدین زاده شد. جزایر طی حمله‌ی خود به روستای شحور در سال ۱۱۹۹ هجری قمری، سید صالح را زندانی کرد و او چند ماهی را در زندان به سر برد. پس از آن امکان فرار یافت و به سوی عراق گریخت. مدتی در شهر کربلا و پس از آن در نجف اقامت گزید. او در شحور فرزندی به نام ابوالبرکات هبه‌الله داشت که در مقابل چشمان پدر کشته شد. دو فرزند دیگر نیز به نام‌های سید محمد (صدرالدین) و سید محمدعلی داشت که خاندان صدر از آن دو به وجود آمدند. از این خاندان، آنان که در عراق سکنا گزیدند به لقب «صدر» شناخته شدند. اما فرزندان سید محمد (صدر الدین) لقب‌های مختلفی گرفتند؛ از جمله: عاملی، صدر، صدرعاملی، صدرزاده، خادمی، مستجابی و... که اکثر آنان در مناطق مختلف ایران پراکنده شدند.

سپاس از نوای دکتر کمالیان، خداوند یاریات کند و روزه و عبادتت را از تو بپذیرد و هر سال بر تو مبارک و نیکو باشد.

حسین شرف‌الدین
صور، جبل‌عامل
۲۰۱۷/۶/۲۰

تقریظ حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالرحیم ابادری

«نون والقلم و ما یسطرون». به نام آن که قلم آفرید و به آن قسم یاد کرد.

اثر گرانسنگ حاضر با نام جلد هجدهم «مشاهیر خاندان صدر» حاصل تحقیق پژوهشگر پرتلاش و مخلص، دوست عزیزم جناب آقای محسن کمالیان، یک کار تحقیقی بدیع است که هیچ نیازی به اظهار نظر بنده‌ی حقیر ندارد.

همان طوری که معلوم است، کار تحقیق و پژوهش در مرحله‌ی نخست به دو عرصه‌ی اثر گرانسنگ کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی تقسیم می‌شود و هر کدام این عرصه‌ها مشکلات، موانع و درس‌های خاص خود را به همراه دارد. چه بسیار کسانی که در همان قدم اول، حریف این مشکلات نمی‌شوند و از ادامه‌ی کار باز می‌مانند و عطای آن را به نقایش می‌بخشند.

حدود نیش از نیست سال است که با آقای کمالیان ارتباط و آشنایی دارم و از نزدیک شاهد تلاش‌های ایشان بودم. می‌توانم عرض کنم، وی را در هر دو مرحله‌ی میدانی و کتابخانه‌ای، دارای نشاط، انگیزه‌ی قوی و پیشکار ستودنی یافتیم. همه می‌دانند تحقیق کتابخانه‌ای، آن هم در دهه‌ی هفتاد که امکانات فعلی در میان نبود، درخراست و تحویل یک جلد کتاب چه مشکلات و درس‌هایی در پی داشت. همین‌طور مشکلات تحقیق میدانی به

در کنار اینها، اخلاص، بی‌ادعایی، تواضع، خاکی بودن، دقت در نگارش، ظرافت‌کاری، امانت‌داری در نقل اقوال، صداقت، عزت‌نفس و آزاداندیشی، از جمله سرمایه‌های معنوی دیگری است که در وجود این محقق ارجمند می‌توان سراغ گرفت و مشاهده کرد.

چند سطر فوق در شب و صبح ولادت باسعادت حضرت ثامن‌الحجج علی بن موسی الرضا المرتضی علیه آلاف التحية والثناء قلمی شد. این مصداقت و مقارنت را به فال نیک می‌گیرم و از درگاه خدای متعال مسئلت می‌دارم به حرمت مقام و منزلت آن امام مهربانی‌ها، همچنان به سرمایه‌های معنوی جناب کمالیان افزون فرماید، ایشان را در این راه پرفراز و نشیب همواره و همیشه محکم و استوار و پرنشاط و پرانگیزه نگه داشته و در عرصه‌های فردی، سیاسی، اجتماعی و تحقیقی موفق و پیروز و سربلند گرداند. آمین.

جمعه ۱۳۹۶/۵/۱۳

برابر ۱۱ ذی‌قعدة ۱۴۳۸

عبدالرحیم آبادی

مراتب بیشتر، سخت‌تر و گاهی شکننده‌تر از آن بود و هست.

مختاری اثر حاضر، جلد هجدهم «مشاهیر خاندان صدر» و سایر آثار ایشان و تعداد منابع و مأخذ و انبوه شخصیت‌هایی که برای نگارش کل این مجموعه با آنها مصاحبه شده است، به روشنی ادعای بنده را ثابت می‌کند. این محقق توانمند در این دو عرصه‌ی مهم برتمام این موانع، مشکلات، دشواری‌ها، پستی‌ها و بلندی‌ها فائق آمده و همه‌ی آنها را با پیروزی و سربلندی پشت‌سر گذاشته است. مسافرت‌های مکرر به کشورهای لبنان و سوریه، انجام ده‌ها و صدها مصاحبه با افراد و شخصیت‌های گوناگون که با امام موسی صدر و خاندان وی ارتباط و همکاری داشتند، دیدار از کتابخانه‌های مختلف، همچنین مسافرت‌های متعدد داخلی از مشهد و خراسان گرفته تا فارس، اصفهان، قم، تهران، اراک، مازندران، آذربایجان و جاهای دیگر، اموری است که از عهده‌ی هر کس بر نمی‌آید و مردان بلند همت و دارای اراده‌ی قوی و پشتکار ستودنی می‌طلبند.

اهمیت ماجرا آن‌وقت شگفت‌انگیزتر می‌شود، وقتی ببینیم که رشته‌ی تحصیلی و تخصص اصلی آقای کمالیان «مهندسی عمران» و گرایش «ژئوتکنیک لرزهای» است و هرگز با تاریخ و تراجم‌نگاری چندان ارتباط و مناسبتی ندارد. ولی در عین حال این‌گونه آثار بدیع و متن در تاریخ و شرح‌حال علما و دانشمندان تحویل محافل علمی می‌دهد. عظمت کار آقای کمالیان از جهت دیگر نیز قابل توجه است که ایشان کار یک موسسه‌ی تحقیقاتی با چند نفر محقق کارکننده و دارای لیجندای قوی را یک‌تته به سرانجام رسانده است و این توفیق بزرگ تبریک و تحسین ویژه لازم دارد. موارد فوق که گفتیم، سرمایه‌های بزرگ معنوی به‌شمار می‌آیند که هرگز با سرمایه‌های مادی و ظاهری (مال و ثروت) قابل مقایسه نمی‌باشند.

نکته‌ی دیگری که نباید از نظر دور داشت، این است که والد معظم دکتر کمالیان، حاج آقا رحیم کمالیان، که خود از یک خاندان اصیل قمی به‌شمار می‌آید، چند سالی در کشور آلمان مسئول امور مالی شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی بود و نویسنده‌ی محترم از همان دوران کودکی و نوجوانی با این خانواده و بعد با خانواده‌ی شخصیت بزرگ دیگر مانند امام موسی صدر ارتباط تنگاتنگ پیدا می‌کند. به یقین ویژه‌گی‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی این دو مصلح بزرگ جهانی در ساختار شخصیتی ایشان تأثیر انکار ناپذیری داشته است. کسی که چنین سرنوشتی به همراه داشته باشد، باید هم چنان آثار ارزشمندی از خود تولید کند.

تقریظ دکتر رضا بهشتی مُعَیز

دوست دانشمند و فاضل ارجمند جناب آقای دکتر محسن کمالیان منت نهاده و از این کمترین راقم خُراسته‌اند تا بر این جلد از مجموعه‌ی مجلدات «مشاهیر خاندان صدر» تقریظ بنویسم. این افتخار برای من که گاه خاطراتی پراکنده از دوستی پدرم با امام موسی صدر در اواخر دهه‌ی بیست ششمی و نیز مصاحبت دلپذیر ایشان در همان سال‌ها با حضرت سید صدرالدین صدر و شخصیت جذاب هر دو می‌شنیدم، مایه‌ی مباهات است. مجموعه‌ی حاضر از میان دهها تذکری معتبر رجال شیعی معاصر از آرزوکاری مهم است که بازشناسی معرفی یکی از بارورترین شاخه‌های شیجری امامیه است. بازشناسی آثار وجودی خاندانی که دهه‌ها در حوزه‌های فرهنگی سیاسی خاورمیانه اثرگذار بوده و تاریخ معاصر شیعیان را بی‌درنگی در احوال و آثار این خاندان نهی توان دریافت، فراتر از اجمال و نیازمند تفصیل است.

در کار رجال‌پژوهی و تذکرنویسی آنچه تاکنون بیشتر صورت گرفته و منتشر شده است، بررسی جایگاه و تأثیر یک شخصیت در متن رویدادهای زمانه‌ی اوست و کمتر در میان پژوهش‌های آحاد می‌توان اعلام پرشمار یک شیجری خانوادگی موثر و گسترده را بسپاق این اثر شناسایی و معرفی کرد. نسبت به دسته‌ی اول یا تک‌نگاری، کار پژوهش در دسته‌ی دوم دشوارتر

مالکیت معنوی نظریات، حراست جمعی آثار و انتقال نسلی آنها در یک خانواده است. در این مورد تذکره نویسی یا تراجم‌نگار باید بتواند میان داده‌های جزئی (از رفتار تا گفتار) افراد یک خانواده و آن نظریات کلی، ایجاد ارتباط کرده و خطوط سازنده و مؤثر برهم را شناسایی کند، و هرچه آثار وجودی افراد گسترده‌تر، داده‌ها آشوب‌تر و پربسامدتر و کار بر روی آنها دشوارتر است. به عنوان مثال در خانواده‌ای که رجال ملی و فراملی بیشتری پدید آمده‌اند، داده‌ها انبوه‌تر از خانواده‌ای است که در سطح منطقه‌ای، محلی و قومی ظاهر شده است. زمانه و منطقه هم عواملی دیگر و افزون است.

لایب‌نیتس فیلسوف آلمانی در «تئودیه» خود گفته است که خداوند برای آفرینش جهان از میان ممکنات بهترین را انتخاب کرد و در مانحن فیه، رجالی توانا آفریدگاری است که از میان انبوه نشانه‌های ممکن یک طایفه‌ی پریشان، بهترین ترکیب را پدید آورد؛ هنری که جناب کمالیان از پس آن برآمده است.

این منظومه‌ی ترکیبی تنها مردان و زنان بزرگ را معرفی نمی‌کند که ستارگان دور، کمتر مشهور یا مغفول را هم بزیر چشم آورده و جایگاه سازوار آنان را یادآور می‌شود. اثر حاضر بخت بزرگی از دو سو داشته است: از یک سو خاندان مؤثر صدر با انبوهی از مردان و زنان صالح و خوشنام فرصتی برای زرف‌کاوی و شناسایی یافته و از دیگر سو اهتمام، دقت، پیگیری و انصاف دکتر محسن کمالیان بخت بزرگی بوده تا در این مجلدات نفس‌گیر و ستودنی «بهترین‌های ممکن» به تعبیر لایب‌نیتس در کنار هم قرار گرفته و اثری مفید و استثنایی فراهم آید. از خدا می‌طلبیم که انتشار این اثر را با خیر نوبدبخش گوهر گمشده‌ی این خاندان همراه سازد و مؤلف امین و توانای اثر حاضر را در پناه اعتماد خود بگیرد.

رضا بهشتی مُنیر

روز عرقه سال ۱۳۹۶ شمسی

نُرمالندی - فرانسه

است، از آن روی که محقق باید گوناگونی وجوه و آثار اعلام طایفه‌ای را شناسایی کرده و تصویری نزدیک به واقع، غیرمشتت و در عین حال سازگار در منظومه‌ای همگون عرضه کند.

بنظرم این اتفاق که در شرح احوال سلسله‌ی صدر افتاده، مدیون دو عامل است: یک انبوهی و ساگرگاری در خانواده‌ی بزرگ صدر (مراد من از ساگرگاری، مشابهت نقش‌های اجتماعی میان احاد این سلسله است) و دوم نقش مؤلف در شناسایی و گویایی چهره‌های خاموش. «گویایی» نقش و هنر مهم تراجم‌نگار در بزبان آوردن چهره‌های مغفول و خاموش است و این تنها بر پایه‌ی عنصر حیاتی «اعتماد» صورت می‌گیرد. بطور مشخص اوست که زوایای تاریک شخصیتی را چنان گویا می‌کند تا ناگفته‌های دیگران کامل شود. برای رسیدن به مقصود یک بار باید شخصیتی را مستقل تجزیه و آثار وجودی او را دسته‌بندی کرد و دوباره باید او را در ترکیب آن شجره چنان سازواره گویا کرد تا زوایای تاریک منظومه، روشن و کامل شود. بخشی از اطلاعات از راه اعترافات تأمین می‌شود. سخاوت یا خست تراجم‌نگار در استفاده از اعترافات افراد می‌تواند به انصاف یا افراط در متن بیانجامد و ستایش و بدبینی بیجا برانگیزد. کسی هم نمی‌تواند رعایت اعتدال کند، مگر در متن زمینه و زمانه‌ی شخصیت باشد و این برای هر پژوهشگری میسر نیست. مگر باندازه‌ی کافی و مفید به آن شخصیت نزدیک شده باشد و اگر او در قید حیات نباشد کار دشوارتر می‌شود.

رعایت این دقیقه‌ی مهم و لازم در چارچوب پژوهشی یک منظومه‌ی خانوادگی گسترده کمتر میسر است. چون پژوهشگر با آگاهی از روان‌کاوی شخصیت افراد باید بتواند مصدر برخی رفتارهای مرجع را در هیئت کامل شجره شناسایی کند تا رفتار و گفتار گزیده را از اصل متمایز و بنابراین از معرفی رفتار تقلیدی و مکرر (که در سلسله‌های خانوادگی فراوان و طبیعی رخ می‌دهد) بجای اصل خودداری کند.

با علم بر این واقعیت، در پژوهش‌های جدید رجال‌شناسان به نکات احساسی بیشتر توجه می‌شود؛ چیزی که در گذشته چندان مرسوم نبوده و محصور نوآوری‌های علوم انسانی و بویژه یافته‌های روانشناسی است و شامه‌ی پژوهشگران هوشمند چون مؤلف دانشمند ما را تیزتر می‌کند.

نکته‌ی دیگر آنکه نظریات، دکتربین‌های جامع و آثار پایدار، بیش از تک نگاری‌های رجالی در منظومه‌های خانوادگی (چون خاندان صدر) قابل شناسایی است. علت عمده هم